

سخن نخست

ایران و جمعیت اسلامی جوابگوی حمله به دفتر آیینه روز است

خبری که از طریق پژواک نشر شد و در آن ایران و جمعیت اسلامی متهم به حمله شده است هر دو از این موضوع انکار کرده است و گفته است که نمی دانند این حمله از طرف کی رخ داده است. چندی قبل نشریه آیینه روز از مهاجرین افغان دفاع کرد و رهبری ایران مورد ملامت قرار گرفت که در پی آن شکایت رسمی سفارت ایران به وزارت خارجه صورت گرفت و در پی نشر این مطلب سه مکتوب به سارنوالی و امنیت و وزارت از طرف وزارت خارجه مواصلت کرد.

ایران می داند که در این زمان می تواند از آب گل آلود ماهی بگیرد و به دولت فشار وارد کند که آزادی بیان را نقص کند. وقتی سه مخالف به سه مرجع معرفی شد یکی به وزارت اطلاعات کلتور، دیگری به سارنوالی و سومی به امنیت تا در مقابل ظلم ایران چیزی نگویند و ننویسند و این کار به نتیجه نرسید. ایران با استخدام چند جوان بی سواد توسط جمعیت اسلامی به دفتر حمله کرد و خواست قلم را بشکنند.

اما خوشبختانه این حرکت پست ایشان چهره آنها را بهتر به نمایش گذاشت و به مردم ثابت کرد که این حزب هنوز هم جبهه است و حرکت های نظامی و خشن خود را انجام می دهد. گرچه سخنگوی جبهه این موضوع را بی اساس خوانده است من از جناب الکو می خواهم که حمله هتل ستاره را که لوی سارنوال سابقه آنرا در الماری قفل کرده دوباره باز کند و ببیند که حمله اول و حمله دوم با هم ارتباط دارد یا نه... تا حال هر سه بار از طرفداران ایران ضربه خورده ایم و هر بار شکایت های ما بی پاسخ مانده است حالا از جناب الکو می خواهیم شکایت رسمی و تعقیقات قبلی را که در حمله قبلی به نتیجه رسیده است روی دست گیرد تا حمله دوم روشن شود.

جای تاسف است که تا حالا حمله کننده گان آزاد اند و محرکین این جوانان بی سواد از آن سود برد. از وزارت داخله می خواهیم که زود تر نتیجه هشت روز کار خود را اعلان دارند و بدانند چه کسانی حمله و رهبری را بدوش داشتند.



باران کاندیدا از آسمان افغانستان

حزب حیوانات افغانستان خروس کاکل زری را نامزد ریاست جمهوری کرد؟!

فرستاده: سید مصطفی

کامل این رای را بدست آوریم و امید داریم قیمت کارت ها بالا تر نرود و شکل بازار سیاه را بخود نگیرد.

بلی! تلاش ها جریان دارد و ما امید داریم که هر چه زود تر کارت ها خریداری شده ما به کمیسیون انتخابات تقدیم گردد.

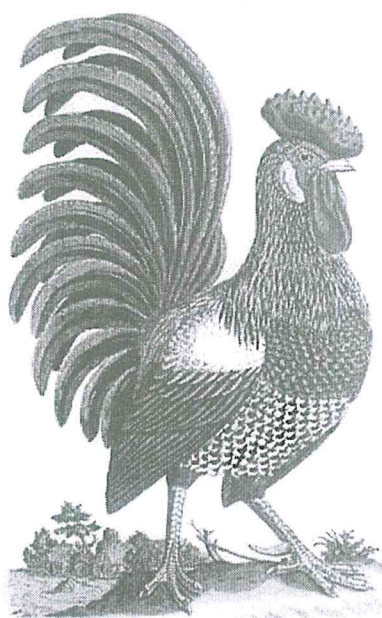
چون حیوانات ما نمی توانند نشان انگشت بزنند، جای آن نشان پا - نول - نیش، نمل و سَم خواهد گذاشت.

حزب حیوانات افغانستان به نفع هیچ یک از کاندید ها نخواهد گذشت و می خواهد ریاست جمهوری را از آن خود سازد و همین حالا در حدود ۴ میلیون نفر پشتیبانی خود را از این حزب اعلان کرده اند.

ما هیچ گونه کاغذی را در کوچه ها پخش نکرده ایم و از مردم نخواسته ایم که شما را به خدا به کاندید مورد نظر ما رای بدهید؟! ما بودجه انتخاباتی خود را از فروش حیوانات نایاب و کم یاب و یا قیمتی بدست می آوریم و فکر می کنیم حیوان فروشی بهتر از انسان فروشیست. پس ما با ما باشید و به تنها حزبی که به منافع انسانی و حیوانی و محیط زیست فکر می کند رای دهید. ما رقیب نداریم و حزب ما از همه احزاب بهتر است.

ما با فروش ۶۰۰ گاو - ۷۰۰ گوسفند - ۲۰۰۰ مرغ و ۱۰۰۰ طوطی سخن گوی می توانیم برای خرید کارت های باقی مانده در ظرف دو روز اقدام کنیم.

خوشبختانه تاحالا هیچ کدام از کاندیدها موفق به خرید ده هزار کارت نشده اند به جز یک بروت کشال که توانسته است به تعداد بروت



های خود کارت جمع کند و در این زمینه مقام اول را بدست آورد. بهر صورت خط مش ما برای فعلا این است که با آرامش

از تاسیس حزب حیوانات افغانستان چهار سال می گذرد و این حزب توانسته است نسبت به احزاب دیگر مقبولیت خاصی را در بین مردم پیدا نماید.

حزب ما با جبهه متحدی را تشکیل داده است که در آن چرنده گان و پرنده گان و خرنده گان نقش محوری را بازی می کنند. اعضای این حزب زمانی مورد قبول قرار می گیرد که خر بودن خود را ثابت کنند.

این بدان معناست که عضو جدید حزب باید اعتراف کند که از رشوت گرفتن - دزدی - خیانت - جاسوسی وطن فروشی و ون و فن گرفتن از اجانب اجتناب ورزد و عدل و داد و خیر و فضیلت و پشتیبانی از محرومان و ستمدیدگان و برچیدن فساد و الحاد و رزلیت را در سرلوچه کار خود قرار دهد و از همه مهمتر اینکه باید یک خر تمام عیار باشد و یا به گفته وطن داران خر خرباشد.

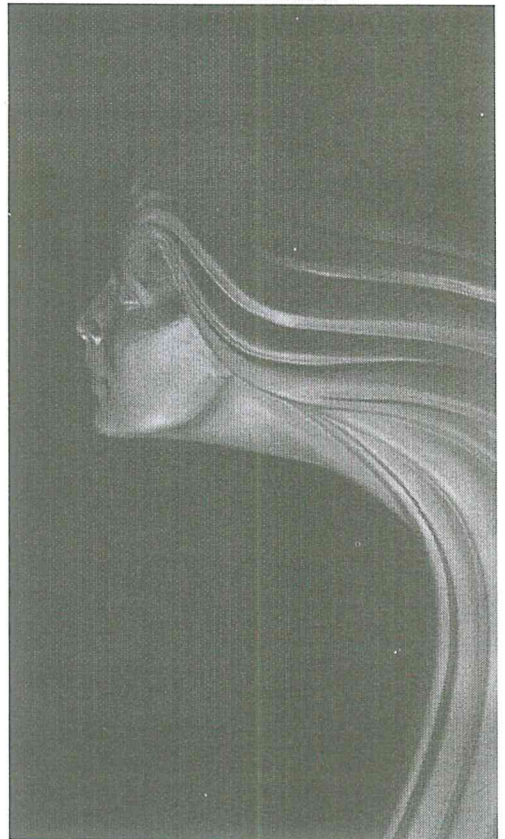
بدین صورت پاکی و صداقت خود را ثابت سازد و به وطن خدمت نماید.

بلی! اینک حزب حیوانات افغانستان صادق ترین حیوان خود خروس کاکل زری را نامزد ریاست جمهوری کرد تا برای بدست آوردن ده هزار کارت تلاش کند، گرچه تا حالا توانسته است ۵۰۰۰ کارت هرکارت به مبلغ ۷۰۰ افغانی بخرد.

چون پول این حزب به اتمام رسیده است، تعدادی از پرنده گان و چرنده گان و خرنده گان داوطلب شده اند که بفروش برسند.

سکرتتر از وظیفه برطرف شدند؟!

گرگ باران دیده

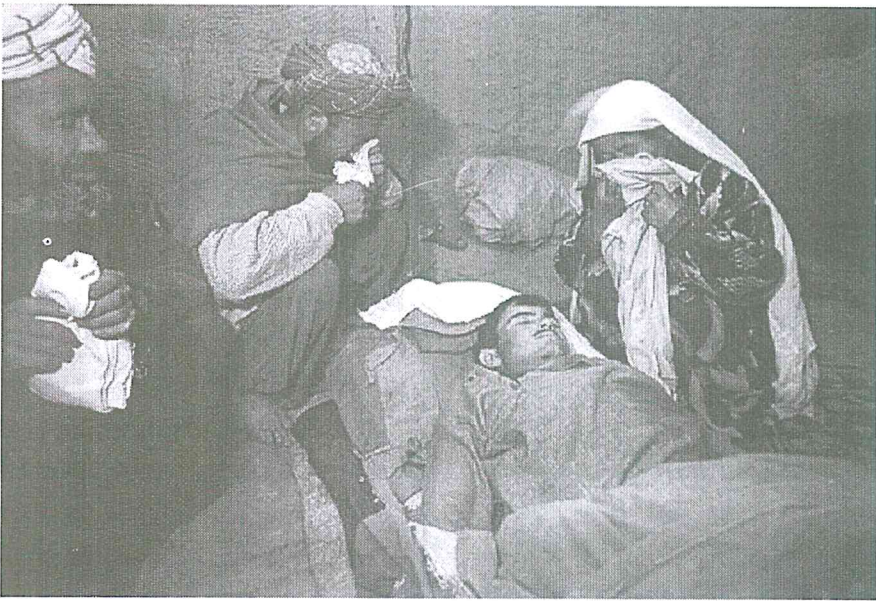


از کتاب تنبیه الغافلون حکایتی کردند، که سلطان جنگل میمونی را به مقام سکرتريت خویش گماشتندی، که امورات را تنظیم نمودندی، و از دفتر سلطان جنگل مواظبت کردند، و در اختیار وی دیگر مسئولین را توظیف ساختندی، و در مجل نمودن دفاتر هر یک فعالیت کردند، فردایش که میمون "سکرتتر" به دفتر داخل شدند، چهره زشت خود را در آینه بلورین دیدندی و برآشفته شدند، و سروصدا بلند کردند و سلطان جنگل از موضوع اطلاع یافتندی، و جویای احوال گردیدندی و سکرتتر "میمون" دهن به شکایت باز کردند، که آینه خراب را در سکرتريت نصب کردند، که چهره را خراب نشان دادندی، سلطان جنگل بعد از جستجو موضوع بنابر قرابتی که با میمون داشتندی، به برطرفی خانه سامان از وظیفه اش اقدام نمودندی.

آیا رای خانواده های شهدا و معلولین هم ۳۰۰ افغانی است یا؟!

سید نعیم بهار

سه دهه جنگ میلیون ها افغان را از ما گرفت و میلیون ها افغان دیگر معیوب و معلول گشتند. اینک فرزندان این سرزمین و زنان هموطن ما بدون پدر و



با معامله گری تمام این وطن و کشور را فروختند و مسیر کج را انتخاب کردند دیگر نمی توانند بدر این ملت بخورند و دست یاری و دوستی به این ملت دراز نمایند.

هیچ کس نباید از آدرس این عزیزان سخنرانی کنند و

بگویند که ما پشتیبان این عزیزان هستیم، زیرا اگر می خواستند این کار را بکنند، حتمی یک گوشه مشکل آنها رفع می شد و یا در این سه دهه یکبار

برنامه دیدار از

این عزیزان را در

نظر می گرفتند و

دست نوازش به

سر یتیمان این

بزرگواران می کشیدند.

حالا تعدادی خود

را رهبر و بزرگ و

... می گویند در

حالی که در زمان

مشکلات و مشقت

هیچ وقت این

بزرگواران به فریاد

این عزیزان

نرسیده است.

پس باید دقت کرد

و شخصی را پیدا

کرد که یار و یاور

این خانواده های

عزیز باشند و

دست نوازش بسر

یتیمان آنها کشد.

در انتخابات

مجلس همه ما

وعده های

بزرگواران را

شنیدیم و نتایج

آنها نیز دیدیم و

دانسیم که هیچ دردی را درمان کرده نتوانستند و هنوز

هم این ملت غرق در مشکلات است و راه حل های

مناسب در این مورد در نظر گرفته نشده است.

بلی! ما باید هوشیار باشیم و قریب وعده های چرب

و نرم کسانی را که دیروز امتحان داده اند و فرزندان

ما را به کام مرگ کشانیده اند، نخوریم.

بدون شوهر شدند بحث جداست ولی بحث مشکلات اقتصادی و روانی این خانواده های عزیز یکی از مسایلی است که تا حالا حل نشده است و باید در این مورد توجه جدی صورت گیرد.

وقتی زمان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری می رسد

، تعدادی از کاندید ها بخاطر گرفتن رای این عزیزان وعده

های چرب و نرم می دهند و می گویند که برای شما نان

خانه و لباس داده خواهد شد.

بلی! دو

و زی

پیشین

با

وجود فشار

نهاده

های ملت

نتوانست

معاش یک

ماهه این

عزیزان را از

۳۰۰ افغانی

به بالا ببرد.

اما حالا که

زمان رای

دهی رسیده

است هر

کارت تا

هزار افغانی

خریداری

می شود و

یک خانواده

هشت نفره

می تواند از

این طریق

معاش

چندین سال

خود را

بدست

بیاورد.

اما مهم این است که خانواده های شهدا و معلولین باید بدانند که در مقابل خدا مسئولیت دارند و نباید رای خود را به کسی دهد که دیروز و امروز و فردا به فکرش نبوده اند و نمی باشند.

حالا زمان آن رسیده است که با چشمان باز فردی مورد انتخاب قرار گیرد که بتواند این خانواده های داغ دیده را

شوخی با کاندید ها

یاسینی:

همان گونه که در مکتب نمرات من از نود در صد بالا بود، آرای من نیز از نود در صد بالاست.

آیین روز:

یک چیز راست می گویم من هم به اولاد های خود گفته ام که نمرات من صد بوده، اما پیش من و تو باشد من نمرات خوبی نداشتم، در صنف دهم و یازدهم و دوازدهم هر بار مشروط می شدم و یک بار ناکام هم مانده ام.

اگر نود در صد رای را شما بیاورید، پس کرزی یک در صد رای خواهد آورد؟!

بشیر بیژن:

مردم در صدد آدرس من است، من یک شخصیت استثنایی در بین کاندیداتوران ریاست جمهوری هستم.

آیین روز:

مردم در صدد من هم بودند، چند روز قبل بیست سوته مرا زدند، اما در مورد شخصیت استثنایی باید گفت که راست می گویی، شما یک استثنا هستید و مردم یک در صد هم رای به شما نخواهد داد.

لطیف پدرام:

نامزدی بشیر بیژن ارتباطی با کنگره ندارد. بیچاره بیژن فکر می کرد رفیقش از او دفاع می کند، ولی کنگره هم بخاطر شخصیت استثنایی او از او روی گردان شد.

افغان ملت:

حزب افغان ملت از کاندیداتوری احدی حمایت نمی کند؟!

آیین روز:

عجب زمانه شده حالا که یک افغان ملت می خواهد رییس جمهور شود، خودشان نمی مانند که ما یک ملیت گرا هم داشته باشیم و شاهد فرستادن اقوام دیگر به کوره آدم سوزی باشیم.

سید جلال:

من با کرزی مبارزه خواهم کرد و یک نامزد درجه اول هستم و کسی نیست که به نفع کس دیگر از

کاندیداتوری بگذرم و اکثریت مردم با من هستند. آیین روز: بیچاره مردم، فقط خودشان می دانند که طرف کی هستند، اگر راست بپرسید من و خانواده ام بخاطر مسئولیت رای حتی کارت نگرفته ایم.

چه خاصا که طرفدار کسی باشیم... بهر صورت همه اول نمره هستند ولی بالاخره نفهمیدیم که دوم نمره کیست.

پدرام:

کدام منبع رسمی تایید کرده است که ما بیژن را نامزد ریاست جمهوری کرده ایم...

این را همه دوستان و هواخواهان ما و تمام مردم افغانستان بدانند که آقای بشیر احمد بیژن نامزد مستقل است و کارشان به کنگره ملی افغانستان هیچ ارتباطی ندارد.

ماندگار:

والا خودش ای دروغه گفت و ما چاپ کدیم حالا که شما می گین که نامزد شما نیست، نباشد برای ما فرقی نمی کنه که نامزد شماست یا نامزد تاجور... آینه ما هم حرف شما را در نشریه خود به چاپ رسانیدیم تا همه بدانند که از شما نیست و از مردم هم نیست و خودش شخصیت استثنایی است.

جلالی:

کنار رفتن گل آقا شیر زی کرزی را در موقعیت خوبی قرار داده است.

آیین روز: آینه تو هم فامیدی که باز سر قدرت می شه.

آرمان ملی:

کرزی نتوانست جبهه ملی را بپاشاند؟!

آیین روز: پاشاندن شاخ و دود دانه نه تورن بود و نه جنرال دوستم و نه مارشال فهیم...

ماهم وقتی کاسه ما می شکست دوباره پتره می کدیم و باز در کاسه پتره شده نان می خوردیم و جالب این است که نان خوردن در کاسه پتره شده لذت زیاد دارد.

حزب حیوانات نیز کاندید خود را معرفی کرد:

فقط خروس کاکل زری و حزب حیوانات می تواند برنده باشد

نوشخند المثل ها

اینک بار دیگر کتابی از دوست خویم سید محمد نعیم بهار به نام " نوشخند المثل ها " در ماه ثور سال ۱۳۸۸ به بازار کتاب آمد .

این کتاب با جلد مرغوب رنگی ، با عکس رنگی تخت خواب که در آن جای آدم بوتی خوابیده است و با شعری از صائب تبریزی :

چو گل شگفته باش در این انجمن که صبح

تسخیر کرد روی زمین را به نوشخند این کتاب با سrahدا شروع شده و عکس مردی در صفحه اول آن به چاپ رسیده است که سرخود را در دست دارد و در سrahدا که جای مقدمه آمده است چنین نوشته شده است :

" سرم ، سرگرم سرشماری ، و سره و پیاده کردن سرها را سرکرد . همسرکته های سیاسی ، سرسام شد ، زیرا گاهی با سرزورها و سرشق ها سرخورده و زمانی با سرچوکها و سرگین سرها ، نه سرسرسبز یافت و نه سرقرومه بوی .

پس سرسری نه سرخلاص باید گفت که یکسره سرهای سرزمینم یا سربرزمین اند و یا سربه هوا ، ما نه سرداریم و نه سرسر .

مجبور این سرخط مثلها را سرجمع به سرگردان پی سر که سربه کف کشیده اهدای سرش نمایم .

سرش ، سرشار ، قلمش ، سرباد . بهار ...

بلی این مقدمه یی بود که به سرگردان تقدیم شده است ، مقدمه یی پر از رمز و پر از معنا ، اما جالب تر اینکه این کتاب در خود پیش رفتار و نوشخند المثل های

چون برق المثلها ، بوت ... پارلمان ... پولیس ... تخت ... ترافیک ... جرگه ... چپن ... خر ... خشو ... داکتر ... درخت ... شکم ...

صندلی ... قربانی ...

قصاب ... کابینه ...

کثافت ... کل ... مخدر ...

مگس ... موش ... نیش ...

و وکیل المثلها را با خود

دارد که هر کدام از این

مثل ها دارای معنایی

بزرگ و نیش و نوش های

تلخ و شرین در خود دارد

و می تواند دوی درک

های پنهان و آشکار ما

باشد و مدتی ما را

بخنداند.

بلی ! مثل ها یادگار

نیاکان ماست و در طول

ادوار توانسته اند جایگاه

خوبی در بین ما باز کند ،

اشعار شعرا ، تجربه

بزرگان ، نکته های قابل

فهم و پند هر کدام هزاران

سال است که نسل به نسل

در بین ما مانده و حالا در

زبان تفهیمی مردمان این

سرزمین رایج گردیده

است .

این کتاب را خدمت

دوستان کتاب معرفی

می نمایم تا باشد که

روزهای خوش زنده گی را با این کتاب سرکنند

و در لابلای مثل ها خویشتن را بیابند و درک

خوبی از معانی و بیان این مثل ها داشته

باشند .

اینک طور نمونه چند مثل را خدمت شما دوست داران تقدیم می کنیم .

برق المثل ها :

آدم بی برق ، برق بیست و چهارساعته را خواب می بیند .

آسوده آن که برق ندارد ، از تحویلی پولش خبر ندارد.

آمدن برق را ندیدیم که رفتنش را ببینیم .

آمدن برق به نوبت ، رفتنش بی نوبت .

از بخیل لین ارتباطی نگي ، اگر گرفتی الکینه در طاق بلند بان .



از برق بیست و چهار ساعته منت دارکده ، پرچوی دایمی خوب است .
برق آمد به بازار ، الکیکن شد دل آزار .

فعالیت های سفارت باید

زیر نظر گرفته شود

ذبیح الله

خود را ایفا کرد و تا اندازه یی موفق بود و توانست

مهره های خاص خود را جابجا کند .

اما کارآمدی مجلس برای افغانستان و حتی منافع

ایران کم بود و آنطور که ایران می خواست از این وضع

بهره برداری نماید نتوانست این کار را انجام دهد .

معمولا حتی در خود کشور ایران زمان انتخابات

فعالیت های سیاسی کشور های خارجی زیر نظر

گرفته می شود و سفارت خانه ها نمی توانند ، نقش

عمده خود را که همانا جابجایی مهره هاست ایفا

نمایند .

اینک دولت افغانستان نیز وظیفه دارد تا فعالیت

سفارت ایران و رایزنی فرهنگی این کشور را زیر نظر

بگیرد و سفرهای مهره ها را بررسی نماید تا کشور

همسایه که همیشه در طول ۳۰۰ سال دخالت در

کشور ما کرده است نتواند دیگر حرکت های سیاسی

خود را سازمان دهد .

کشور ایران در طول سی سال توانسته است در همه

ابعاد فرهنگی سیاسی و اقتصادی افغانستان

دخالت کند و تاثیر گذار باشد .

فرستادن ده ها هزار افغان در جنگ های ایران و

عراق - آذربایجان و ارمنستان و رفتار نامناسب ایران

با مهاجرین و لت و کوب آنها در خطرناکترین اردوگاه

های مشابه کولاک و گوانتانامو را می توان از

دولت جای سرکوب نشریاتی که از مهاجرین و

سیاست های غلط ایران دفاع می کند باید از

آزادی مطبوعات دفاع کند و دفاع از مهاجرین

را حق نشریات بداند .

با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و

حمایت لفظی ایران از دولت فعلی ، دولت به این

باور رسیده است که در این انتخابات از مهره

های ایرانی استفاده تبلیغاتی کنند و در این

راه اگر چند روزنامه و مجله و تلویزیون را تنبه

کند کار درست نموده است .

این در حالیکه که ایران از مهره های خاص

خود دفاع می کند و در این انتخابات آنها را

حمایت خواهد کرد .

خوشبختانه در مقابل کاندیدهای طرفدار ایران

ده ها میلیون مخالف که در ایران لت و کوب شده

اند قرار دارد و به هیچ عنوانی نمی توانند رای

مردم را بدست بیاورد .

خوشبختانه این زمانی است که دولت ایران در

گیر انتخابات ریاست جمهوری کشور خود است

و این از توجه جدی آنها در کشور ما کاسته

است . اما رفت و آمد های نوکران ایران جریان

دارد و گفتگوهایی هم جریان دارد .

در انتخابات مجلس افغانستان نیز ایران نقش

برقی بخاطر برقش دوست مردم است .

ترافیک المثل ها

با پول می شه به دهن ترافیک طببله زد !

با چمچه ترافیک حلوا پخته نمی شه .

به دعای موتر وان در جهان اس ترافیک خراب نمی شه .

تا که موتر وان در جهان اس ترافیک در نمی ماند .

ترافیک که پادشاه شد دنیاره اشپلاق می گیره .

ترافیک را نی بزن و نی بکن اشپلاقشه بگی .

ترافیک که از ترافیک پس ماند اشپلاقش از گرفتن است .

خر المثل ها :

خر لنگ باشه مگر بی پالان نی .

خر اگر بار نمی برد خلق نمی شد .

خر بی دم به انسان بی مردم می ماند .

خر داند زبان خر .

خر سیاه به روز سیاه

خر همسایه هزار من زورداره .

زبان خر خر می فامه .

شیر خر از خود خر .

خودش سیاه خرس سفید .

خشو المثل ها :

از خشو صفت سنو شنیدن ؟

اگر تو خشو هستی مام داماد خشو ؟

اگر خوشی زنت را می خواهی طاعت خشو کن ؟

با هر کس پنج با خشو هم پنج ؟

پیش کله خشو یاسین خواندن .

خشو آرام زبانش نارام .

خشو اگر پیر هم شود زور داماده دارد .

خشو بنام دامات می خورد قند و نبات .

خشو داری هم شهامت می خواهد .

خشو داماده دید بینی اش پندید .

خشو و داماد جنگ کرد و خيله ها باور کد .

زبان خشو را خشو می داند .

قهر خسر و رحم خشو .

مرغ خشو هم یک لنگ داره .

داکتر المثل ها :

از آن داکتر پترس که شریک دواخانه باشه .

از مار هفت سر نترس ، از داکتر بی مریض پترس .

داکتر داکتر بد می بینه و مریض هر دویشه .

تا داکتر نباشد مریض نمی میرد .

اگر دل داکتر هم سیاه باشد ، چپنش سفید است .

اگر دوا پیش داکتر می بود

لاجرم جیب مریض پاکتر می بود .

مگس المثلها :

از پشه تابستان و از مگس زمستان پترس .

از چشک مگس شرینی مردار نمی شه .

با مگس مگس شکار می کنه .

به گشی گفتن مگس ها گم نمی شه .

تابستان پدر مگس هاست .

خانه کثیف بی مگس نیست .

در بسته مگس بسته .

مگس داخلی و خارجی یک مگس است .

مگس مهمانی است که به آسانی می آید و به سختی می رود .

نمود مگس سرکل .

موش المثل ها :

انبار غله بی موش نمی شه .

به پشک پشک گفتن موش گم نمی شه .

به موش بد ، تلک بد .

به یک موش ، پشک سیر نمی شه .

پشک از پای مانده ره موش انگولک می کنه .

خانه فقیر یک موش داره ، خانه پول دار صد موش .

کارد را کاردک نگو ، موش را موشک .

موش از پشک می ترسه ، زنا از هر دویش .

موش ده ارگ بی تلاشی می ره .

موش کلان ، خانه ویران .

موش یک دم و یک سر داره از همه جا خبرداره .

غار موش و دهان مردم را نمی شود بست .

هیچ موش بی سوراخ نیست .

اضرار موش نی از پی کین است

مقتضای طبیعت اش این است

نیش المثل ها :

از هفت ثور تا هشت ثور از هشت ثور تا بکی .

اول خوده ستیزن کو بعد فکر زن کو .

آزادی بیان و خشونت

علیه خبرنگاران

سپیدی را می نگارد .

اما ارزش های قلم را کی باید نگهدارد ، همین قلم بدستان و بانیان قلم ، همین خبرنگاران بدون تفنگ و کم زور ، اما با تاسف در کشور ما حتی اتحادیه ها مصروف باند بازی و زد و بند های سیاسی اند و هر کدام در گروه خاص وظیفه خود را اجرا می کنند.

خبرنگاران متفرق با رسانه های خطی و سمتی و قبیله یی و سیاسی خود بدون اینکه به رسالت قلم و نقش قلم فکر کنند ، حتی در بد ترین روز ها بدرد همدیگر نمی خورند.

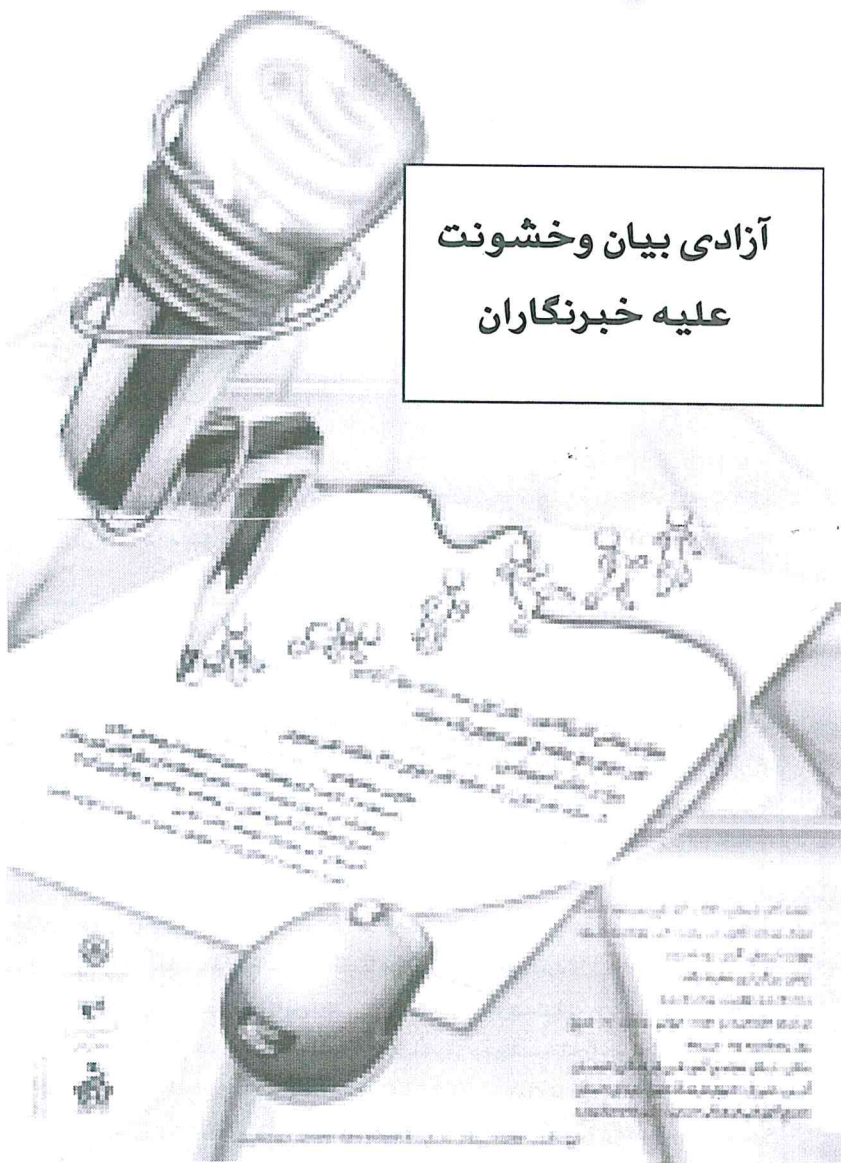
در جنگهای روس و افغانستان زمانی مجاهدین مخالف همدیگر می جنگیدند ، ولی همین که روس ها مداخله می کردند با هم اتحاد می کردند و با

من از دفتر بیرون شدم و گفتم که با همدیگر حل کنیدمن نمی گذارم یک خبرنگار پیش یک دوکاندار ایستاده شود و بگوید ضمانت می خواهم .

حمله به دفتر آیینه روز حمله به تمام خبرنگاران است و این را فقط یکی دونشریه و چند آژانس خبری و تعدادی از خبرنگاران رسالتمند و اتحادیه ها انعکاس دادند .

ولی جالب این است که این خبر در بیرون از مرز ها انعکاس بهتر داشت و بی بی سی و رادیو آزادی بهتر از همه نقش و رسالت خود را نشان دادند و زود تر از دیگران حمایت خود را اعلان داشتند .

همیشه همین بوده ، رادیوهای خارجی و آژانس های خبری خارجی بهتر عمل می کنند و بهتر



اشغالگران می جنگیدند .

حالا قلم بدستان و خبرنگاران نیز باید این رسالت را حفظ کنندو در مواقع خطر همه یک صدا از منافع قلم دفاع کنند ، حالا این قلم به هر اندیشه یی که باشد فرق نمی کند ، چون خواننده در تضاد قلم را ه خود را می یابد و مسیر خود را انتخاب می کند .

یادم است زمانی یکی از خبرنگاران که به من حمله کرده بود و دروایت کابل از او ضمانت دوکاندار خواستند .

موضوع را تحت پوشش می گیرندو شنونده و بیننده زیادی نیز دارند.

ناگفته نماند که کار آژانس پژواک بی نظیر بود و خانم فروزان آنقدر عالی کار کرد که باور ما نمی شد .

دختر جوانی که با عشق و علاقه به شغلش در انعکاس واقعیت های کشور فعالانه سهم می گیرد جای تعجب است که تا حالا چطور مسئولین آژانس ایشان را به دریافت جایزه معرفی نکرده

این واژه مقبول وارداتی چند سالی است که وارد کشور ما شده است و تعداد خبرنگار را دلخوش می کند . اما آیا کشور ما مکان و زمان آزادی را دارد و می تواند در این زمان به شعار های بیرونی ها باور کند و یا مکان مناسب برای آزادی وجود دارد .

از آزادی تعبیر های مختلف شده است ، یکی بی بندوباری و رسیدن به جامعه ایدال غربی را مبنای آزادی خود می داند ، دیگری ارزش های دینی و دیگری سنت های مردم را و آرمان های ملت خویش را در قالب آزادی می سنجد .

اما سی سال جنگ بنیان زنده گی سالم و رشد و ترقی را از ما گرفت ، و هر کدام به تفسیر خود مردم را بسوی نامعلوم و تاریک سوق می دهد .

مهمترین مسئله همین زمان و مکان آزادی است که غربی ها در طول یکصد سال عینیت جامعه خود را درک کردند ، و در روشنی عینت و واقعیت های کشور خود آزادی ها را رشد دادند ، گرچه در آن کشورها هم برای آزادی قالب وجود دارد ، و هر مسئله را نمی شود آزادانه ابراز کرد ، خط سرخ وجود دارد و یا چراغ سرخ می تواند آزادی را متوقف کند .

طور مثال در قضیه هلوگاست کسی نمی تواند ابراز نظر کند و یا اسناد محرمانه دولتی افشا نمی شود ، و یا منافع ملی گرچه به ضرر جهان باشد ، باید در نظر گرفته شود .

بهر صورت مکان ناامن و پر خشونت این کشور تا ۵۰ سال دیگر هم نمی تواند مکانی برای آزادی باشد . حالا خشونت در کودکان نیز انتقال یافته است و به غیر از نسل ما نسل جدید نیز خشن تربیت شده اند و شاید از این نسل آرام تر هم نباشند و برعکس خشن تر بار آمده اند .

این نسل نه تنها ارزش های دینی و سنتی را از یاد برده اند بلکه در بین سنت و مدرنیته خود را گم کرده اند .

مطبوعات جهان و دنیای غرب و شرق در وجود این نسل جنگ عظیمی براه انداخته اند ، تضادی شرق و غرب ، تضاد ارزش ها و غیر ارزش ها و مادیات و معنویات و...

اما اگر همین جنگ هم در مطبوعات افغانستان جریان دارد بجاست و در این جنگ یکی پیروز می شود و دیگری نابود ، چنانچه در جنگ کمونیسم نیز ارزش های کمونیستی ناکام شد و به زیاله دانی تاریخ سپرده شد. این جنگ های اول نیست و آخر هم نخواهد بود و در این میان ارزش های اصلی سربرمی آورد و راه خود را انکشاف می دهد و مسیری طی می شود که باید طی شود .

در میان جنگ یونان و بلخ تمدنی بنام بلخ و باکتری به وجود آمد ، در جنگ اعراب و کشور ما ارزش های دینی پذیرفته شد و در جنگ سنت و مدرنیته نیز راه سوم به وجود خواهد آمد .

اما تاسف در این جاست که با وجود تضاد های فکری و اندیشوی تعدادی عقب مانده سیاسی دست به خشونت می زند و فکر می کند که با لت و کوب تعدادی و ایجاد وحشت و ترس می تواند بر قلم پیروز شود ، قلمی که خداوند به آن سوگند یاد کرده است .

گرچه این معمولی است که در چنین شرایطی درک عناصر عقب مانده جای جواب قلم و ارائه دلایل رد مسئله در نظر گرفته شود ، این مسیر را با زور و خشونت می پیماید .

حمله به دفتر آیینه روز پزدلانه ترین حمله بود که با استفاده از جوانان خام و بی دانش خواستن اندیشه را سرکوب کنند و بدین طریق پیروزی خود را اعلام دارند و بگویند که ما توانایی خفه کردن صدای قلم را داریم . درست است که زور مندان و اوباشان می توانند یک قلم را بشکنند ، اما اگر درس دینی خوانده باشند ، حتی خداوند به قلم سوگند یاد کرده است و همین قلم است که دنیا را به لرزه درآورده و خوبی و بدی و سیاهی و

اند .

این خبرنگار با دلایل عقلی و منطقی موضوع را به کرسی می نشاند و در مسیر خبرنگاری تحقیقی در همه مسیر ها قدم می گذارد تا حقیقت را از دروغ تفکیک کند و سیاه را از سپید جدا نماید.

بهر صورت :

تلویزیون طلوع در قسمت انعکاس خشونت در جامعه مطبوعاتی از کمره شکسته خود صحبت کرد ، و خنده دار ترین موضوع همان کمره شکسته است که جای آدم شکسته از آن یاد کرد و حتی بخاطر عقده که از نشریه داشت و بخاطر تضاد فکری و ارزشی که با ما داشت ، حتی از پخش خبر آن ابا ورزید .

تلویزیون آریانا گرچه بی طرف معلوم میشد با وجوداینکه در کنفرانس مطبوعاتی حاضر شد ، از پخش خبر لت وکوب جلوگیری کرد و گفته شد که از همان دار و دسته اند ، ولی خدا می داند.

تلویزیون تمدن ، چون با تمدن بود ، اجازه صحبت برعلیه ایران را ندارد و نمی تواند خبری را پخش کند که در آن ایران دخیل باشد و حتی تا حالا از ده میلیون انسانی که در ایران و اردوگاه ها لت و کوب می شود دفاع نکرده است و حتی یک کلمه برعلیه ولی امر خود نمی زند .

از او که توقعی نداریم و راه فردا هم راهش معلوم است و

بهر صورت گله از خبرنگاران بخاطر این است که ما در جامعه زنده گی می کنیم که این پیشامد ها یک چیز عادی می شوا و هر روز این قضایا تکرار خواهد شد.

اما رسالت خبرنگاران این است که در این مسیر همدیگر ر حمایت کند .

اما آنچه نمی گذارد این پیوند ها به نتیجه برسد ، ون و فر است که تعدادی از نشریات از کشور های مختلف بخصوص از ایران می گیرند .

تلویزیون های که پیرمردان اداره می کنند و هر روز به د ها هزار افغانی خرج می نمایند .

روزنامه های رنگه که هر روز ده ها هزار مصرف می کنند ولی مسئولین آنها در آمد خانواده گی ندارند و پول های باد آورده به او می رسد .

یادم می آید یکی از هفته نامه های سیاه و سفید سقوط کرده بود و با کمک جامعه مدنی و یک خارجی مشکوک یک بار سر پا شد و آرگاه و بارگاه پیدا کرد و تا حالا نیز افتخار دارد که توانسته است در این کشور بدرخشد. اگر کمیسیون تشکیل شود و درآمد ماهوار هر نشریه و رادیو و تلویزیون را بسنجد معلوم می شود که کی متکی به مردم و اقتدار است و کی نوکر و چاکر اجنبی .

نشریه داران و رادیو و تلویزیون داران در آمد ماهوار و سالیانه شان سنجیده شود و در آخر حاصلات زمین پدر و پدرکلان شان در نظر گرفته شود و در فصل برداشت دیده شود که حاصل گندم پدرشان می تواند مصارف شان را پر کند.

بهر صورت در این آشفته بازار هدف از پرگفتن این بود که با وجودتضاد فکری و اندیشه یی تمام خبرنگاران باید در روز بد هم صدا باشند و از منافع خبرنگاران خود دفاع کنند.

من از همه کسانی که در این راه حمایت خود را از نشریه اعلان دارند تشکر می کنم بخصوص از آژانس پژواک - تلویزیون نورین - تلویزیون ملی - اتحادیه ملو ژورنالستان افغانستان - اتحادیه بین المللی خبرنگاران - نشریه اراده و کسانی که در این مسیر ما را حمایت کردندوکسانی که در شفاخانه دیدن بنده آمدند تشکر مر کنم .به خصوص از آقای بارکزی - آقای شمس - آقای بهار - دوستان امنیت ملی و پلیس ملی و خبرنگاران داخلی و خارجی و این حرکت های پسندیده شان برای من روحیا خواهد داد که بازهم در پی حقایق باشم و مسیری را برو که مردم می خواهند.

در ضمن تاسف خود را از نشریات و خبرنگارانی که قصد در این مسیر ما را همراهی نکردند ابراز می دارم و از خداوند هدایت برایشان می خواهم .

روز کارگر را برای همه کارگران زحمتکش و مسلمان تبریک می گوئیم و امیدواریم

همیشه در زنده گی خوشبختی و سعادت نصیب این عزیزان شود.

آنفلانزای خوکی می تواند چالش

عمده جهان باشد ؟!

مرض خطرناک در جامعه انکشاف کند .

راه حل های که در نظر گرفته شده است فعلا استفاده از ماسک و تحت نظر داشتن مریض است .

اما آیا ورود خارجی ها در کشور ما می تواند باعث انتشار این مرض شود و یا کشور ما شرایطی را مساعد کرده است که مسافران چک و بعدا وارد جامعه شوند .

سازمان صحتی جهان خواهان تدابیرشدید و جدی شده است تا این ویروس در کشورهای مختلف انتقال نیابد .

اولین قربانی آمریکایی نیز که یک معلم است امروز جان خود را از دست داد .

نگرانی کشور افغانستان نیز بخاطر آمدن مسافران از کشورهای مختلف است که شاید بتوانند این مرض را در بین مردم انتشار نمایند .

حالا نمی دانیم که وزارت صحت تدابیری را در این مورد سنجیده است یا نه .

در کشور ما بخاطر نداشتن آگاهی و سواد کافی بخاطر جلوگیری از این مرض شاید این مرض به زود ترین فرصت قربانی زیادی بگیرد .

اما اگر وزارت صحت عامه تمام مسافرینی که وارد کشور می شوند به صورت درست چک نماید و در صورت آلوده بودن تحت نظر بگیرند تا این مرض نتواند در کشور ما پیشرفت نماید .

کشور های پیشرفته نتوانسته اند در مقابل این مرض مبارزه جدی نمایند ولی اگر در کشور ما این مرض انتشار یابد کار بسیار مشکل است که از انتشار این مرض جلوگیری شود .

آنطور که معلوم است وزارت صحت عامه در این مورد تدابیری را سنجیده است و اعلامیه های نیز از طریق رسانه ها پخش می نماید و از مردم می خواهد در صورت مشاهده این مرض به مراکز و نمرات تلفن زنگ بزنند .

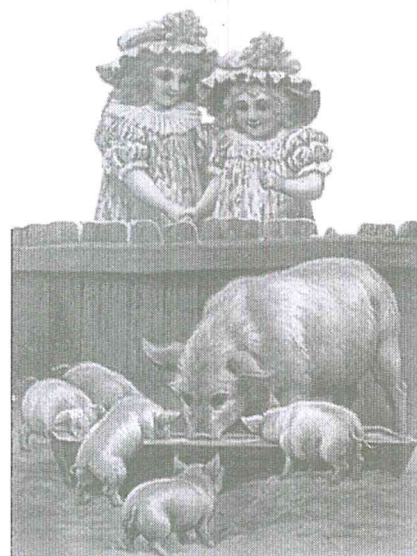
اما معلوم نیست تیم کاری از کارشناسان و متخصصین این بیماری تشکیل شده است و یا وزارت محترم تدابیری در نظر گرفته است که بتواند مدت کم کمک زیادی نماید و نگذارد این

بعد از هزاران سال بالاخره ثابت شد که استفاده از گوشت خوک و نزدیکی با این حیوان می تواند خطرات جدی را متوجه انسان ها سازد .

وجود مرض خوکی و انتقال ریزش خوکی در بین انسان ها زنگ خطر را در تمام جهان به صدا در آورده است و تا اکنون هزاران تن به این ویروس مبتلا گردیده است و جهان نیز تا حالا تدابیر جدی که بتواند جلو این مریضی را بگیرد در دست ندارد .

اما اعلان اینکه تا شش ماه دیگر واکسن ضد ویروس به تولید انبوه می رسد و جهان را از شر این مرض نجات می دهد خبر خوبی است ، اما آیا با این واکسن می توان جلو خطرناکترین مرض را گرفت .

گفته شده است که این ویروس حتی با دست زدن به



دستگیره ها و تماس انسان ها انتشار می یابد و جلوگیری از آن مشکل است .

به همین دلیل بعضی از کشور ها نایت کلب ها و مجالس دستجمعی را تعطیل کرده اند و تدابیر شدیدی در این مورد گرفته اند .

جالب تر اینکه این ویروس هرروز در کشورهای دیگر می رود و جهان را سراسیمه کرده است .

کشورهای مزیکو - کانادا - آمریکا و اروپا اولین

کشورهایی است که ویروس در آن انتشار کرده است و آمریکا خواهان تلاش مشترک با کشورها شد تا از شر این ویروس خلاص شوند .

علائم این مرض ریزش عادی و تب شدید ، سردردی و آب بینی و درد های شدید شکم و در آخر کوما رفتن مریض می باشد .



گر چه شنیده گی ها حاکی از آن است که در داخل کشور دوا های که می تواند تا اندازه یی این مشکل را حل نماید وارد گردیده و دولت تا اندازه یی توانایی دفاع از مردم را دارد .

اما تا حالا معلوم نیست که این مرض هم چون ایدز به

زود ترین فرصت رشد و انکشاف می کند و جهانگیر می شود و یا اینکه این مرض چون آنفلونزای مرغی و پرنده گان یک روز رشد و روز دیگر خطرش کمتر می گردد .

بلی حالا دنیا متوجه خطر تازه یی شده است و در این اواخر ریزش های حیوانی و پرنده گان نگرانی های جامعه جهانی را بوجود آورده است و انتقال آن برای

انسان ها مشکلاتی را

پدید آورده و همه

جهان به فکر این است

که چگونه می توانند

از این مرض ها

جلوگیری نمایند .

در قرن اخیر این

چندمین بیماری

ناشناخته است که

وارد جامعه انسانی

می شود .

اولین بیماری به نام

ایدز وارد جامعه

انسانی شد و گفته

می شود این مرض از

شادی به وجود آمد و

سپس آنفلونزاهای

پرنده گان و حیوانات

به میان آمد و حالا

جامعه جهانی را

مورد تهدید قرار داده

است و هر روز ابعاد

این بیماری وسیعتر

می شود و قاره ها را

می پیماید .

اما اعلان این خبر که

واکسن آن در مدت کم

ساخته خواهد شد و

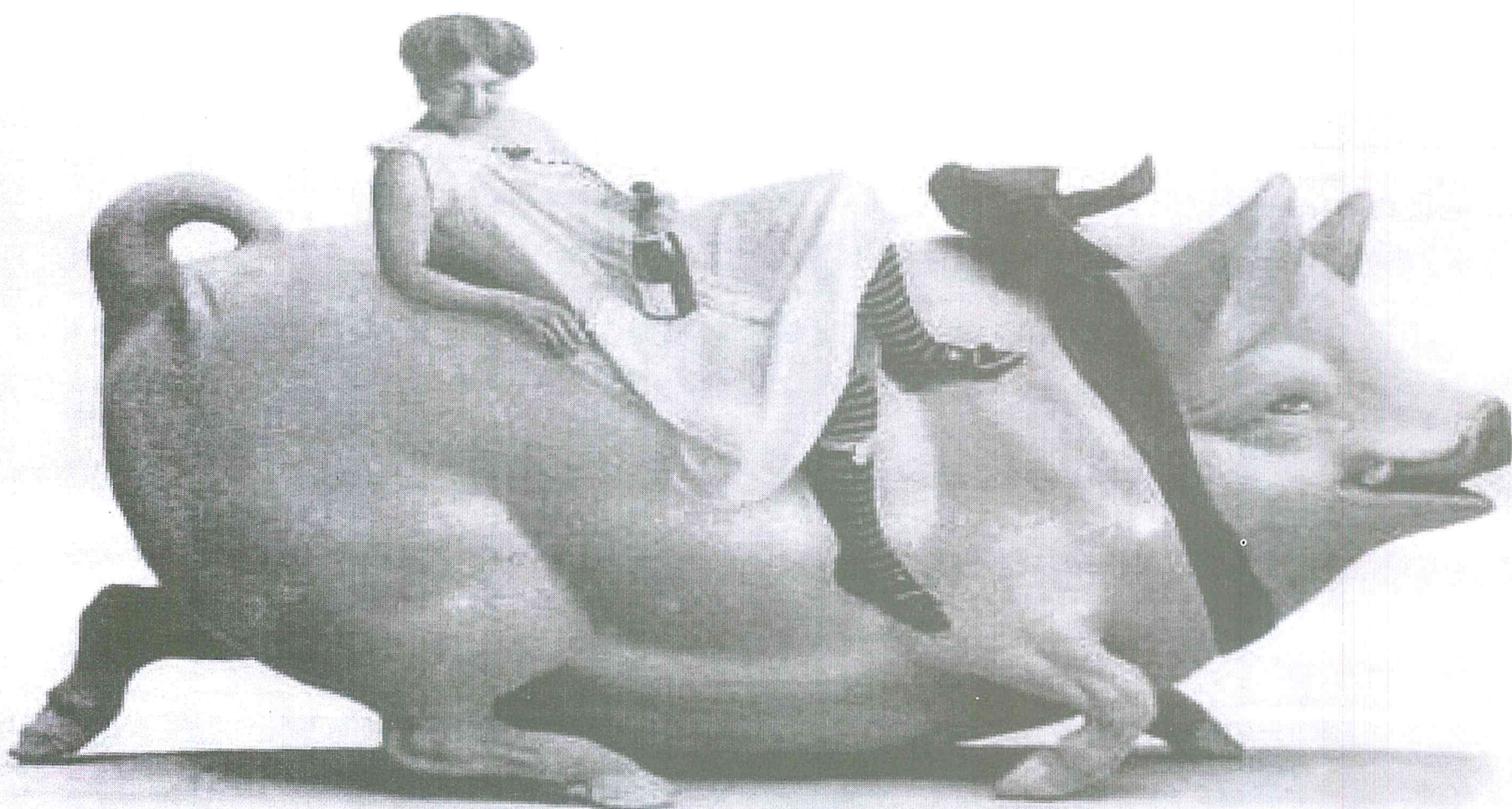
در بازار جهانی مورد

بهره برداری قرار

خواهد گرفت ، امیدوار

کننده است و اگر علم

و تکنولوژی و فعالیت های بشری بتواند این خطرات را از جامعه انسانی دور کند خوب در غیر آن ما شاهد انقراض انسان ها خواهیم بود و جهانی شدن بیماری های ناشناخته ...



Prosit Neujahr!



رای به
کسی
دهید
که یک
چهره
داشته
باشد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید داود یعقوبی
تحت نظر: هیئت تحریر
صفحه آرای: سید امید یعقوبی
آدرس: سینما بهارستان - برک پنجم خانه پنجم دست راست
تلفن: ۰۶۸۶۴۷۰۶۸

مقایسه انتخابات ایران با افغانستان

هر دو کشور ایران و افغانستان به پیشواز از انتخابات ریاست جمهوری تلاش دارند و می خواهند در کشور شان رییس جمهور جدید شروع به کار کند.

که کاندید کننده باید دست رهبر را ببوسد و از طرف رهبر معرفی شود و بعدا در انتخابات شرکت کنند در کنار آن شورای نام نهاد نگهبان نیز باید آنرا فلتر کند و بدون فلتر شورای

دشمنان ساختگی، دوستان واقعی



در هر دو کشور رییس جمهورهای سابق می خواهند در قدرت باقی بمانند. اما در این دو کشور تفاوت هایی وجود دارد در افغانستان هر فرد افغان می توانند خود را کاندید ریاست جمهوری کنند. اما در کشور ایران شکل نمایشی دارند، این بدان معناست

نگهبان کسی نمی تواند وارد مرحله حساس شود. اما در کشور ما هر فرد می تواند خود را کاندید کند. در ایران هر دو جناح بازنده و برنده مخلصین و دست بوسان رهبر هستند و تنها چیزی که مهم است پیرو ولی فقیه باشند؟! اگر پیرو ولی فقیه نباشند، شوت می شوند و در انتخابات

در این کشور از ده ها کاندید یکی پیدا می شود که مطابق ذوق رای دهنده باشد. بهر صورت در مورد رییس جمهور فعلی ایران که خود را کاندید کرده است، نظرات منفی زیادی وجود دارد، ولی کسی جرئت گفتن آنرا ندارد. برای بار اول محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه ایران جرئت بخرچ داد و

گفت:

احمدی نژاد ایران را به پرتگاه رسانیده است از فحشا و فقر و اعتیاد مردم سخن گفت و حکومت احمدی نژاد را متهم به فحشا و فقر و اعتیاد کرد.

جالب است میلیون ها معتاد در ایران است که هر روز اگر یک گرم مصرف کنند؟!؟

این همه مواد چگونه بدسترس آنها قرار می گیرد در حالیکه در یک روز مصرف مواد مخدر میلیون ها گرم می رسد.

این شبکه گسترده چگونه می تواند در مقابل چشم های تیز بین نیروی انتظامی (پولیس) این همه را جا بجا کند و هزاران کیلورا به اروپا قاچاق نماید.

تنها در یک صورت امکان پذیر است که دولت خود حامی قاچاق و استفاده از مواد مخدر باشد.

بلی! این بار جامعه روحانیت و جامعه مدرسین قم سکوت اختیار کرده اند و در میان دو دوست مانده اند.

این بار دست آورد های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دولت خوب نبوده است.

دهمین دوره ریاست جمهوری با نام نویسر شروع و به شورای نگهبان به خاطر فلتر شدن فرستاده می شود و پس از آن کاندیدها اعلام می گردند.

در آخر معلوم است که دوایر دولتی ارتش و بسیج به کی رای می دهند، به هر کس رهبر اشاره کند و بعد از آن سرنوشت انتخاب معلوم می شود.

اما در کشور ما انتخابات تحت نظر سازمان و شفاف برگزار می شود و ملت می تواند تصمیم بگیرد.

البته نقص هایی صورت خواهد گرفت، آر بخاطر بی تجربگی و مشکلات فنی اسد کشور ما دومین بار است که رییس جمهور را انتخاب می کند و در آن احزاب چپی و راست و دموکرات و مسلمان و ... حضور دارد. اما در کشور ایران فقط یک حزب می تواند را کاندید نماید حزب طرقدار رهبر ای دوستان نزدیک شخص اول و هیچ کس تواند بدون فلتر شورای نگهبان از این کار شود و خود را به پست ریاست جمر برساند.

آینه روز
را در
پشت
دروازه های
خود تسلیم
شوید

آینه روز
آینه روز ناشر افکار سید جمال الدین افغان است
فرم اشتراک
نام نام موسسه
شماره تماس
آدرس:
تعداد:
تماس: آگهی ها - اعلانات و اشتراک
۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

فرم اشتراک

مدت اشتراک نهاد خارجی
سه ماهه: ۲۰۰۰
شش ماهه: ۳۵۰۰
یک ساله: ۶۰۰۰
داخلی ...
سه ماهه: ۸۰۰
شش ماهه: ۱۵۰۰
یک ساله: ۲۳۰۰



حمایت اتحادیه شما به آزادی بیان جان می دهد.

نشریه آینه روز از همه کسانی که از این نشریه حمایت کرده اند تشکر می کند